



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روش‌شناسی استنادهای قرآنی  
معصومین علیهم‌السلام در تفسیر مآثور



دانشکده علوم حدیث (قم)

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم حدیث

گرایش تفسیر اثری

## روش‌شناسی استنادهای قرآنی معصومین علیهم‌السلام در تفسیر مآثور

استاد راهنما

حجة الاسلام والمسلمین دکتر کاظم قاضی زاده

استاد مشاور

حجة الاسلام والمسلمین مهدی مهریزی

دانشجو

محمد محقق

اردیبهشت ۸۸

تمام حقوق این اثر متعلق به دانشکده علوم حدیث است.

## تقدیم به:

مفسر واقعی و برگزیده قرآن، عالم به تأویل و تنزیل، عدل  
قرآن و خاتم الأوصیاء، حجت خداوند بر خلق و محجوب از  
دیدگان، همان که زمین را از عدل و داد پر نماید، آن چنانکه  
از ظلم و جور پر گردیده و تمامی شیفتگان و دوست‌دارانش،  
آنان که ظهورش را به انتظار نشست‌اند.

## سپاسگزاری و تشکر:

با تشکر و سپاس از تمامی عزیزان و سرورانی که در تهیه و نوشتن این پایان‌نامه به این جانب یاری و هم‌فکری رسانیدند، خصوصاً اساتید راهنما و مشاور جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر کاظم قاضی‌زاده و حجة الاسلام والمسلمین مهدی مهریزی و به گونه‌ای متفاوت از پدر و مادر عزیزم که زحمت تربیتم را متحمل شدند و همچنین تشکر ویژه از همسر گرامی و دلسوزم که از عهده وظیفه سنگین همسررداری و تربیت فرزند، به شکل پسندیده‌ای برآمده و مشوق و دعاگوی بنده بودند و برادر بزرگترم حجة الاسلام محسن محقق که در یافتن روایات استنادی به بنده یاری رسانده و از مشورت ایشان بهره بردم.

## چکیده

یکی از روشهای معصومین علیهم‌السلام در راستای استفاده از قرآن و تبیین مفاهیم بلند آن، بیان روایات تفسیری است که یک قسم از آنها، روایات استنادی است. منظور از روایات استنادی، آن دسته روایاتی است که معصومین علیهم‌السلام در حین بیان مطلب یا در ضمن مناظره و بحث یا در پاسخ به سؤال از مسائل مختلف؛ به قرآن استناد نموده و شاهد و دلیلی بر مطلب خود، از قرآن آورده‌اند.

برای شناخت روش استناد ائمه علیهم‌السلام به قرآن ابتدا می‌بایست روایات استنادی را جمع‌آوری و گونه‌شناسی نمود تا در ضمن شناخت گونه‌های این روایات به روش استناد به قرآن دست یابیم. روایات معصومین از جهت نحوه بیان استناد، به گونه‌هایی چون استناد ابتدایی، استناد در پاسخ به سؤال و استناد در بحث و مناظره قابل تقسیم است و از جهت توجه به آنچه در بیانات آنان مستند شده؛ به استناد قول، استناد فعل، استناد حکم و استناد اقسام قابل تقسیم است.

روش معصومین در استناد به قرآن به شیوه‌هایی چون استناد به ظاهر و باطن و استناد به تعمیم و تخصیص قرآن و استناد به مجموع آیات در یک موضوع قابل تقسیم است که در بخش استناد به ظاهر به مواردی چون استناد به نهی قرآن، استناد به مفهوم قرآن، استناد به وصف قرآن، استناد به استثنای قرآن، می‌توان اشاره نمود. شرایط استناد به قرآن، از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام، عبارتند از: علم به شأن نزول و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ قرآن و توجه به تفسیر اهل بیت در استناد به قرآن.

**کلید واژه:** استناد به قرآن، روش‌شناسی استناد، روایات تفسیری، روایات استنادی معصومین علیهم‌السلام.

## مقدمه

### ۱ - طرح تحقیق

#### ۱ - ۱ - بیان مسأله

در بحث رویکرد اهل بیت درباره قرآن یا به عبارت دیگر قرآن در روایات اهل بیت، روایات مرتبط با قرآن به دو بخش تقسیم شده است:

۱ - روایاتی که به مباحث کلی قرآن شناسی پرداخته که عبارتند از:

- فضائل قرآن، ویژگی‌های قرآن (جاودانگی، جامعیت، تازگی، مقیاس بودن قرآن برای روایات...)، مباحث علوم قرآنی (اعجاز قرآن، جمع قرآن، کتابت، تحریف، قرائت...)، چگونگی فهم قرآن، معارف کلی قرآن، بهره‌مندی از قرآن، احکام مربوط به قرآن، پاسخ‌گویی به شبهات قرآنی.

۲ - روایات گسترده‌ای که آیات قرآن را تفسیر یا تأویل نموده و یا به بیان مصداق آیات می‌پردازد.

در کتاب روش تفسیر قرآن در بحث منابع تفسیر، به روایات معصومین علیهم‌السلام و دسته‌بندی آنان پرداخته شده است. روایات تفسیری همانند دیگر روایاتی که از معصومین علیهم‌السلام نقل شده، در موقعیت‌های گوناگونی بیان شده است. اهل بیت علیهم‌السلام گاه در پاسخ پرسش از مفاد و مراد آیه‌ای، حدیثی بیان فرمودند و گاه خود در مقام استدلال و احتجاج آیه‌ای از قرآن ذکر کرده‌اند و زمانی دیگر برای بیان معانی واژه‌ای از واژگان مشکل قرآن سخن گفته‌اند و گاه معنای باطنی آن را بیان نموده‌اند؛ از این رو باید اقسام گوناگون روایت‌های تفسیری را به دقت شناخت، تا به هنگام بهره‌گیری از آنها در تفسیر و فهم آیه لغزشی رخ ندهد. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که صاحبان کتاب‌های روایتی به ویژه مؤلفان تفسیرهای روایی، هیچ‌گونه تفکیکی میان روایات یاد شده انجام ندهند و گاه هیچ سخنی در باره محتوای روایات نگفته‌اند.<sup>۱</sup>

۱. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۳.



همانگونه که گذشت در روایات تفسیری به برخی روایات برمی‌خوریم که در آن امام علیه السلام در مقام احتجاج و استدلال و یا در جهت بیان مطلبی به آیه یا آیاتی از قرآن استناد و استشهاد فرموده‌اند و گاهی از مستند قرآنی قول یا فعل خود سؤال شده و پاسخ داده‌اند؛ این در حالی است که خود به شیعیان امر فرمودند که:

«إذا حدثتكم بشيء فاسألوني من كتاب الله»<sup>۱</sup>.

هر گاه برای شما حدیثی نقل کردم، از کتاب خدا در باره آن از من سؤال کنید.

در این پایان‌نامه بر آنیم تا ضمن دسته بندی روایات استنادی، شیوه‌های استناد معصومین علیهم السلام به قرآن را بیابیم و همچنین معیارهای استناد به قرآن از دیدگاه معصومین علیهم السلام را بررسی نماییم. در دائرة المعارف بزرگ اسلامی ذیل تفسیر اهل بیت مطالبی آمده است که به بیان مسأله در اینجا کمک می‌کند:

در نهج البلاغه بیانات فراوانی وجود دارد که به طور صریح یا ضمنی ناظر به تفسیر آیات قرآن است ... پس از امام علی، دیگر امامان با روش تفسیری قرآن به قرآن و ضمن اعتقاد به اینکه واژگان و آیات قرآن دارای مفاهیم عمیق و باطنی‌اند (صفار قمی، ص ۱۹۶)، به تفسیر آن پرداختند.

بر اساس اشارات برخی متون تاریخی میتوان به تلاش امام سجاد علیه السلام در تفسیر آیات قرآن، بویژه در مدرسه مدینه، پی برد. صحیفه سجادیه در کنار دیگر دعاهای آن حضرت، در واقع نوعی تفسیر و تبیین اشارات قرآن محسوب می‌شود. اقتباسها، اشاره‌ها، استشهادها و به کارگیری آیات الهی در این مجموعه بسیار است (رجوع کنید به ص ۱۴۱، ۱۴۷، ۲۷۱، ۲۸۳، ۲۸۵). تفسیر «عباد صالح» در دعای چهل و چهارم (ص ۲۸۲ - ۲۹۳)، به مناسبت حلول ماه رمضان، با استناد به آیات قرآن، نمونه‌ای از این موارد است.

امامان دیگر، چون امام کاظم و امام رضا و امام هادی علیهم السلام، نیز در تفسیر، شیوه‌ای شبیه به روش امامان پیش از خود داشته‌اند؛ یعنی، یا تفسیر آنان با استناد به سایر آیات قرآن است (برای نمونه رجوع کنید به عیاشی، ج ۱، ص ۱۲۱، ۱۳۳، ۲۰۲، ۳۸۶) یا با استناد به قول پیامبر و دیگر معصومان (برای نمونه رجوع کنید به همان، ج ۱، ص ۱۹۹، ۱۳۵) که نوعی تفسیر نقلی و روایی است یا به صورت بیان مصداق (برای نمونه رجوع کنید به همان، ج ۱، ص ۲۸۱، ۳۹۲) یا در قالب بیان مشکل واژه‌ای از واژگان قرآن (برای نمونه رجوع کنید به همان، ج ۱، ص ۲۳۲).<sup>۲</sup>

۱. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۳۰ ح ۳/۸۹.

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ذیل تفسیر اهل بیت علیهم السلام.

همان گونه که اشاره شد یکی از روش‌های معصومان علیهم‌السلام برای تبیین آیات قرآن، بیان روایات تفسیری است که گاهی به صورت بیان مصداق آیه (مصداق ظاهری و باطنی) و گاهی با عبارت: «قال فی قوله تعالی» و «سالته عن قوله تعالی» به بیان تفسیر یا تأویل قرآن پرداخته‌اند اما بخش دیگری از روایات که کمتر به آن پرداخته شده و در میان روایات تفسیری پنهان است؛ روایاتی است که در آن معصومین علیهم‌السلام از آیات قرآن به عنوان مستند یا شاهد بر مطلب، استفاده کرده‌اند. در این تحقیق از این روایات به عنوان روایات استنادی (شامل استناد به قرآن) یاد می‌کنیم.

## ۱ - ۲ - تبیین مفاهیم

### روش‌شناسی

در فرهنگ بزرگ سخن واژه روش «قاعده بررسی نظام‌مند کاری یا چیزی؛ متد» آمده است و واژه روش‌شناسی به متدلوژی<sup>۱</sup> ارجاع شده و در آنجا آمده است: دانش بررسی روش‌هایی در علوم، برای دستیابی به بهترین راهکار؛ دانش بررسی روش دستیابی به معرفت.<sup>۲</sup>

### استناد

در معجم المقاییس<sup>۳</sup> ابن فارس ذیل واژه سند چنین آمده است: أصل واحد يدلّ علی انضمام الشیء الی الشیء. یقال سنت الی الشیء أسند سنودا، و استندت استنادا، و أسندت غیری إسنادا. سند دارای یک معنی است که دلالت بر ضمیمه کردن چیزی به چیزی دارد پس استناد به قرآن به معنی ضمیمه کردن گوینده است، آیات قرآن را با کلام خود. در التحقیق فی کلمات القرآن الکریم<sup>۴</sup> نیز پس از آوردن معانی سند از کتب لغت چنین آمده است: و التحقیق أنّ الأصل الواحد فی هذه المادّة: هو الاعتماد و الاتّکاء الی شیء، سواء کان الاستناد فی الظاهر أو فی أمر معنوی.<sup>۵</sup> اصل واحد در معنای این لغت اعتماد و تکیه کردن به چیزی است، خواه استناد در امر ظاهری باشد یا امر معنوی.

## 1. Methodology.

۲. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، به سرپرستی حسن انوری، تهران، سخن، ۱۳۸۱، ۸ جلدی.

۳. ابن فارس، ابی الحسین احمد، معجم المقاییس فی اللغة.

۴. المصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم.

۵. پیشین.

## استشهاد

در معجم المقاییس<sup>۱</sup> ذیل واژه «شهد» چنین آمده است: أصل يدلّ على حضور و علم و إعلام، لا يخرج شيء من فروعه عن الذی ذکرناه. شهد دارای یک معنی است که دلالت بر حضور و علم و اعلام دارد و تمامی معانی آن به آنچه گفته شد بر می‌گردد. در حقیقت امام علیه السلام با استشهاد به آیه، طلب ادای شهادت و گواهی از آیه می‌نمایند جهت اثبات یا تایید مطلب خود.

## استدلال

در الصحاح جوهری<sup>۲</sup> ذیل واژه دال چنین آمده است: الدلیل: ما يستدل به. آنچه به آن چیز دلیل آورده شود، و استدلال به معنای ثابت نمودن سخن با دلیل و برهان است. استدلال به قرآن به معنای طلب دلیل از قرآنست. در بسیاری موارد - که در طول تحقیق به آن اشاره خواهد شد - از امام علیه السلام درخواست دلیل قرآنی بر سخن ایشان شده است یا امام علیه السلام جهت بیان دلیل حکمی یا اثبات مطلبی، از قرآن استفاده نمودند.

## اقتباس

در کتاب معجم المقاییس ذیل واژه قیس چنین آمده است: أصل صحيح يدلّ على صفة من صفات النار، ثمّ يستعار، من ذلك القیس: شعله النار. قیس به یک معنی است و دلالت بر ویژگی از ویژگی‌های آتش دارد و سپس استعاره آورده می‌شود، قیس به معنای شعله آتش است. اقتباس از آیات به معنای گرفتن بخشی از آن جهت استفاده در کلام است.

## ۱ - ۳ - پیشینه تحقیق

تاریخچه این بحث را میتوان در بحث «حجیت ظواهر کتاب» در کتب اصول فقه جستجو نمود، زیرا عالمان اصول، یکی از ادله حجیت ظواهر قرآن را، روایاتی عنوان کرده‌اند که در آن استناد به قرآن آمده و به آن توصیه شده است.

الف: شیخ انصاری علیه السلام در کتاب فرائد الاصول در بخش ظنون معتبره، بحث حجیت ظواهر کتاب را مطرح کرده و ادله اخباریان بر منع عمل به ظواهر کتاب در غیر از آنچه تفسیر آن از ائمه علیهم السلام رسیده است را آورده و از آن پاسخ داده است. ایشان در پاسخ روایاتی که اخباریین به آن متمسک شده‌اند چنین آورده است:

۱. ابن فارس، پیشین.

۲. الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح.

«هذا كله مع معارضة الاخبار المذكوره باكثر منها، مما يدل على جواز التمسك بظاهر القرآن مثل خبر الثقلين المشهور بين الفريقين و غيرها مما يرل على الامر بالتمسك بالقرآن و العمل بما فيه و عرض الاخبار المتعارضه بل و مطلق الاخبار عليه و رد الشروط المخالفه للكتاب فى ابواب العقود و الاخبار الداله قولا و فعلا و تقريرا على جواز التمسك بالكتاب. مثل قوله عليه السلام لما قال زواره من اين علمت ان المسح ببعض الراس فقال عليه السلام لكان الباء فعرفه مورد استفاده الحكم من ظاهر الكتاب.»<sup>۱</sup>

ایشان در ادامه ده روایت از روایاتی که دلالت بر تمسک و استناد معصومین علیهم السلام به ظاهر قرآن دارد، آورده و به توضیح برخی از آنها پرداخته است و در آخر بیان این روایات، آنها را بی شمار توصیف کرده است.

ب: آیت الله بروجردی رحمته الله علیه در مقدمه جامع الاحادیث شیعه در بخش حجیت ظواهر کتاب چنین آورده است:

«و مما يدل ايضا على حجيه ظواهر الكتاب ما ورد فى الابواب المختلفه من الزام الائمة عليهم السلام المخالفين و افحامهم حين الاحتجاج بالتمسك بالايات و تنبيه اصحابهم بأن مأخذ هذا الحكم هو الكتاب.»

ایشان در ادامه روایاتی را که در آن تمسک ائمه علیهم السلام به آیات آمده، آورده است که برخی از آنها را می آوریم.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ سَيِّدِ الْآدَامِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَقَالَ اللَّحْمُ أَمَّا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَحْمٍ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ.<sup>۲</sup>

عبد الله بن سنان می گوید از امام صادق عليه السلام درباره بهترین خورشتها سؤال کردم حضرت در پاسخ فرمود: گوشت از بهترین آنهاست آیا نشنیدی خداوند می فرماید: ﴿وَلَحْمٍ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ﴾<sup>۳</sup> و گوشت پرنده از آنچه میل دارند.

عَنْ ابْنِ أَخِي شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا أَلْقَى مِنَ الْأَوْجَاعِ وَ التُّخْمِ فَقَالَ لِي تَغَدَّ وَ تَعَشَّ وَ لَا تَأْكُلْ بَيْنَهُمَا شَيْئًا فَإِنَّ فِيهِ فَسَادَ الْبَدَنِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ هُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَ عَشِيًّا.<sup>۴</sup>

۱. شیخ انصاری مرتضی، *فرائد الاصول*، نشر آرموس (اسماعیلیان)، قطع وزیری، چاپ دوم خرداد ۸۳، جلد اول، ص ۷۱ - ۷۴.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی* هشت جلدی، دار الکتب الاسلامیه، طهران، ۱۳۶۵ هـ. ش ج: ۶ ص: ۳۰۸ ح ۱.

۳. واقعه / ۲۱.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج: ۶ ص: ۲۸۸ ح ۲.

شخصی از دردها و درد معده به امام صادق علیه السلام شکایت نمود حضرت فرمود صبحانه و شام بخور و بین این دو وعده غذایی چیزی نخور زیرا باعث تباهی بدن است. آیا نشنیدی خداوند می‌فرماید: ﴿لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا﴾<sup>۱</sup> و در آنجا صبحگاهان و عصرگاهان، روزی آنان، برایشان (آماده) است.

عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ اللَّهِ هَلْ يوصفُ فَقَالَ أَمَا تَقْرَأُ الْقُرْآنَ قُلْتُ بَلَى قَالَ أَمَا تَقْرَأُ قَوْلَهُ تَعَالَى لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَتَعْرِفُونَ الْأَبْصَارَ قُلْتُ بَلَى قَالَ مَا هِيَ قُلْتُ أَبْصَارُ الْعُيُونِ فَقَالَ إِنَّ أَوْهَامَ الْقُلُوبِ أَكْبَرُ مِنْ أَبْصَارِ الْعُيُونِ فَهُوَ لَا تُدْرِكُهُ الْأَوْهَامُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَوْهَامَ.<sup>۲</sup>

ابی هاشم جعفری می‌گوید از امام رضا علیه السلام سؤال کردم آیا خداوند توصیف می‌شود؟ حضرت فرمود: آیا قرآن می‌خوانی عرض کردم بلی فرمود آیا این فرمایش خداوند را نخواندی که می‌فرماید: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ﴾<sup>۳</sup> چشم‌ها او را در نمی‌یابند و [لی] او چشم‌ها را در می‌یابد و او لطیف [و] آگاه است. گفتم بلی خوانده‌ام حضرت فرمود اوهام قلوب از ابصار عیون بزرگترند و خداوند را اوهام درک نمی‌کند در حالی که او اوهام را درک می‌کند.

در پایان این بخش چنین آمده است: «الی غیر ذلك من الاخبار الواردة فی احتجاج المعصومین علیهم السلام مع المخالفین و استدلالهم للاصحاب فی التمسک بالایات.»<sup>۴</sup>  
مقصود از روایات استنادی در این تحقیق روایاتی از این قبیل است.

ج. استناد به قرآن در کلام آیت الله خوئی علیه السلام: آیه الله خوئی علیه السلام در کتاب *البيان*، دلیل چهارم از ادله حجیت ظواهر قرآن را، استدلال‌های ائمه علیهم السلام در برخی احکام شرعی و غیر آن به آیات قرآن بیان کرده و در ادامه به ده روایت در این باره اشاره کرده است که دو روایت آن را می‌آوریم. ایشان در پایان چنین آورده است: و غیر ذلك من استدلالاتهم علیهم السلام بالقرآن فی موارد کثیره. و هی متفرقه فی ابواب الفقه و غیرها.<sup>۵</sup>

۱. مریم / ۶۲.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج: ۱ ص: ۹۸ ح ۱۰.

۳. الانعام / ۱۰۳.

۴. بروجردی، سید حسین، جامع الاحادیث الشیعه، علمیه، قم ۱۳۹۹ هـ - ق، ج ۱ ص ۱۰۴ - ۱۱۹.

۵. خوئی، سید ابوالقاسم، *البيان فی تفسیر القرآن*، ۱۳۹۴، قم، المطبعة العلمیه، بی‌تا، ص ۲۸۴.



آن شخص گفت: به خدا قسم بخاطر شنیدن صدای آنان نمی‌روم و فقط صدای آنان به گوش من می‌خورد حضرت فرمود: تو را به خدا، مگر نشنیدی خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا﴾<sup>۱</sup> گوش و چشم و دل همگی آنها از آن پرسیده می‌شوند. آن شخص در پاسخ گفت آری و به خدا سوگند گویا این آیه را از هیچکس تا کنون نشنیده بودم. در ادامه روایت حضرت وی را به غسل و توبه و پرهیز از گناه امر فرمود.

د. استناد به قرآن در کلام آیت الله معرفت<sup>۲</sup>: آیت الله معرفت در کتاب *التفسیر و المفسرون* در بحث حجیت ظواهر کتاب<sup>۳</sup> ادله از قرآن و روایات برای حجیت ظواهر ارائه داده‌اند؛ از جمله ارجاع دادن ائمه<sup>علیهم‌السلام</sup> اصحاب خود را به قرآن جهت فهم مسائل و استنباط احکام از قرآن، ایشان در ادامه، روایت سؤال زراره از امام صادق<sup>علیه‌السلام</sup> درباره علت مسح بعض سر و پا را آورده و همچنین این روایت:

عَبْدُ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَثَرْتُ فَأَنْقَطَعَ ظُفْرِي فَجَعَلْتُ عَلَى إِصْبَعِي مَرَارَةً فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِالْوُضُوءِ قَالَ يَعْرِفُ هَذَا وَ أَشْبَاهُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ امْسَحْ عَلَيْهِ.<sup>۳</sup>

عبد الاعلی مولی آل سام از امام صادق<sup>علیه‌السلام</sup> پرسید، زمین خوردم و ناخنم آسیب دید و انگشت خود را بستم، برای وضو چه کنم؟ حضرت در پاسخ فرمودند: این پرسش و مانند آن از قرآن شناخته می‌شود خداوند می‌فرماید: ﴿مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾<sup>۴</sup> در دین (اسلام) بر شما هیچ تنگنایی قرار نداد؛ بر همان (زخم که بسته ای) دست بکش.

در پایان این بخش چنین آمده است:

«و كذلك استدلالات الأئمة<sup>علیهم‌السلام</sup> فی كثير من الموارد، بآیات قرآنیه لاثبات مطلوبهم لدى المخاطبین،

ففی ذلك عرض مباشر لشمول فهم القرآن للعموم. و قد اتى سيدنا الاستاذ الامام الخوئی بامثله

على ذلك كثيره فليراجع.<sup>۵</sup>»

۱. اسرا / ۳۶.

۲. معرفت، محمد هادی، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه التقسیب*، ربیع الاول ۱۴۱۸، چاپ و نشر آستان قدس رضوی، ج ۱، ص ۸۲.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج: ۳ ص: ۳۳.

۴. حج / ۷۸.

۵. معرفت، محمد هادی، پیشین، ص ۸۸.

## ۱ - ۴ - ضرورتها و اهداف

با توجه به اهمیت و ارزش کتاب خداوند در میان مسلمانان و استفاده تمامی مسلمانان از قرآن، اگر این استفاده دارای ضابطه و قانون و معیاری نباشد، هر گروهی و فرقه‌ای قرآن را به نفع خود تفسیر و به آن جهت ارزشمند و مستدل ساختن طرز فکر خود استناد و استدلال می‌نمایند.

از طرف دیگر برخی گروه‌های تندرو و کوتاه فکر مخالف مذهب اهل بیت، پیروان و دوستان ایشان را به بی‌اعتنائی و کم‌توجهی به قرآن و استفاده نکردن از آن متهم می‌کنند، در حالی که بیشترین استفاده و توجه به قرآن را اهل بیت داشته‌اند، به گونه‌ای که اعمال و رفتار و گفتار خود را بر طبق قرآن انجام داده و از آن تخلف نکرده‌اند و شیعیان و دوستان ایشان نیز به پیروی از آنان، این روش را در تمسک به قرآن و استفاده از آن داشته‌اند. در روایتی امام علی علیه السلام دوستان خود را به استناد به قرآن در باره مسئله مورد بحث خود، سفارش فرمودند.

عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ قَالَ خَرَجَ عَلَيَّ عليه السلام عَلَى أَصْحَابِهِ وَهُمْ يَتَذَكَّرُونَ الْمُرُوءَةَ - فَقَالَ أَيْنَ أَنْتُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ قَدْ ذَكَرَ ذَلِكَ - قَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي أَيِّ مَوْضِعٍ - قَالَ فِي قَوْلِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ - وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ - فَالْعَدْلُ الْإِنصَافُ وَ الْإِحْسَانُ التَّمَضُّلُ.

حضرت علی علیه السلام بر گروهی از اصحاب خود می‌گذاشتند در حالی که آنان درباره مروت سخن می‌گفتند. حضرت به آنان فرمود: کجائید شما از کتاب خدا؟ [چرا از کتاب خدا در این باره غافلید؟] گفتند در کجای قرآن؟ فرمود در آنجا که می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد عدل همان انصاف است و احسان، تفضل است.

ضرورت این تحقیق، بررسی روش استناد معصومین علیهم السلام به قرآن و آشنائی بیشتر با استنادات ایشان است، تا در پی آن به هدف از تحقیق که شناختن روش استناد به قرآن و دستیابی به قانون و ضابطه‌ای برای استناد به قرآن است برسیم.

## ۱ - ۵ - تحقیقات انجام شده

تا کنون با بررسی این جانب درباره استنادات قرآنی معصومین علیهم السلام دو کتاب و چند مقاله نوشته شده است ابتدای کتابی با عنوان *استناد به قرآن در کلام معصومین* نوشته محمد تقی واحدیان درگاهی در ۱۹۶ صفحه که در آن به ۷۲ مورد از استناد معصومین علیهم السلام به قرآن اشاره شده است.<sup>۱</sup>

۱. علیرضا واحدیان درگاهی، نشر یوسف فاطمه علیها السلام، زمستان ۱۳۸۱.



دوم کتاب شیوه استناد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به آیات قرآن و مقایسه آن با استنادات سایر معصومین نوشته دکتر علیرضا رادبین، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی.<sup>۱</sup>

اما مقالات نوشته شده در این زمینه عبارتند از:

۱ - «استناد به قرآن در سیره امامان علیهم السلام» نوشته غلامرضا گلی زواره در دو بخش که در آن به ترتیب ائمه علیهم السلام استناداتی آمده است.

۲ - «استشهاد به آیات قرآن در کلام حضرت زهرا سلام الله علیها»، نوشته عظیمی سیده کبری، فصلنامه صحیفه مبین، شماره ۳، ۹ صفحه از صفحات ۲۷ تا ۳۵.

۳ - «آموزه‌های قرآن در استدلال‌های رضوی»، حکیمیان فرزاد، دو هفته‌نامه گلستان قرآن، شماره ۱۶۶، ۲ صفحه از صفحات ۵ - ۶. سه مورد از استدلال‌های امام رضا علیه السلام به آیات قرآن در این مقاله آمده است.

۴ - «برخی مستندات قرآنی نهج البلاغه»، نوشته دری نجف‌آبادی قربانعلی، فصلنامه بینات، شماره ۲۹، در این مقاله سعی شده است برای برخی فرمایشات حضرت علی علیه السلام مستندسازی شده و آیاتی که به فرمایش حضرت اشاره دارد بیان شود.

## ۱ - ۶ - سوالات تحقیق

چند پرسش اساسی در باره استناد معصومین علیهم السلام به قرآن وجود دارد:

۱. روایاتی که استناد به قرآن در آن به کار رفته است بر چند گونه است؟

۲. روش استناد معصومین علیهم السلام به قرآن چگونه است؟

۳. شرایط استناد به قرآن از دیدگاه معصومین علیهم السلام چیست؟

در صورتی که اکثر روایات استنادی جمع‌آوری شود، می‌توان آیات و موضوعاتی که در آن استناد به کار رفته را به ترتیب فراوانی مشخص نمود.

## ۱ - ۷ - سازماندهی تحقیق

این تحقیق شامل چهار فصل است که دو فصل آن به گونه‌های روایات استنادی اختصاص یافته و در فصل سوم روش‌های استناد معصومین به قرآن بررسی شده و در فصل چهارم برخی از شرایط استناد به قرآن از دیدگاه معصومین آمده است.

---

۱. انتشارات دانشگاه آزاد، واحد تبریز، سال نشر: ۱۳۸۵.

در فصل اول روایات استنادی بر اساس چگونگی بیان استناد یا به عبارت دیگر مقامات استناد به سه بخش استناد ابتدایی و استناد در پاسخ به سؤال و استناد در مناظره تقسیم شده است و برای هر کدام نمونه‌هایی از روایات استنادی تفاسیر اثری شیعه، مانند *البرهان* و *نور الثقلین* ذکر گردیده که البته بررسی سندی این روایات جایگاه و فرصت دیگری می‌طلبد.

در فصل دوم گونه‌های روایات استنادی بر اساس آنچه مستند شده، آمده است که بر این اساس روایات استنادی به چهار بخش استناد قول به قرآن، استناد عمل به قرآن، استناد حکم به قرآن و استناد اقسام به قرآن تقسیم شده است.

در فصل سوم روش‌های استناد معصومین علیهم‌السلام به قرآن آمده است. معصومین علیهم‌السلام گاه به ظاهر و در برخی موارد به باطن قرآن استناد می‌فرمودند. موارد استناد به ظاهر قرآن شامل استناد به نهی قرآن، استناد به استثنای قرآن، استناد به وصف قرآن و استناد به مفهوم قرآن است.

از دیگر روش‌های ائمه در استناد به قرآن می‌توان به استناد به تعمیم و تخصیص قرآن، استناد به تنويع قرآن در حالات انسان‌ها، اسناد به عام و خاص قرآن و استناد به تقييد قرآن اشاره کرد. روش دیگر استناد معصومین به قرآن، استناد به مجموعه‌ای از آیات در موضوع خاص است که برای آن یک نمونه ذکر شده است.

در فصل چهارم شرایط استناد به قرآن از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام آمده است از جمله احاطه به شأن نزول و در نظر گرفتن سنت پیامبر و همچنین توجه به تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام از آیات و علم و آگاهی نسبت به محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ قرآن. در پایان این فصل ضمن جمع‌بندی با نتیجه‌گیری؛ پیشنهاد، جهت تحقیقات بعدی آمده است.

# فصل اول

گونه‌های روایات استنادی از جهت چگونگی بیان استناد (کیفیه الاستناد)

## مقدمه

همچنان که در مقدمه و بیان مفاهیم اشاره شد، هرچند استناد معصومان علیهم السلام به آیه‌ای، خود گامی در جهت تفسیر آن است اما در برخی از روایات تفسیری جنبه استناد و استشهاد به آیه، از تفسیر آن برجسته‌تر است. در این فصل، به بررسی انواع روایات استنادی معصومین علیهم السلام می‌پردازیم. برای رسیدن به این منظور ابتدا با بیان مقدمه‌ای جایگاه بحث را مشخص نموده در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت.

معصومین علیهم السلام و جانشینان راستین پیامبر صلی الله علیه و آله در راستای هدف و الای رسول گرامی اسلام و توجه و عنایت آن بزرگوار به قرآن به عنوان ثقل اکبر در کنار اهل بیت علیهم السلام؛ ضمن بیان جایگاه و تبیین عظمت قرآن، سعی تمام بر آن داشتند تا منش و رفتار خود را مطابق با قرآن نموده و با تکیه بر قرآن و مستدل به آن سخن گویند، تا از طرفی محل اشکال و ایراد برای برخی کوتاه نظران و مخالفان باقی نماند و از سوی دیگر دل دوستان مطمئن گردیده در برابر شبهات مخالفان پاسخی از قرآن داشته باشند. در راستای رسیدن به این هدف است که، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إذا حدثتكم بشيء فاسألوني من كتاب الله»<sup>۱</sup>.

برای یافتن دقیق روایات استنادی از بین روایات تفسیری راهی به جز بررسی تک تک روایات وجود ندارد، اما از آنجا که این کار زمان بر بوده و در کوتاه مدت مقدور نمی‌باشد، برخی از این روایات با جستجوی کلید واژه در نرم افزار جامع الأحادیث و جامع التفاسیر بدست آمد که مهمترین این کلید واژه ها عبارتند از:

و هو قول الله، هو قوله، أو ما تقرأ، أما سمعت، قول الله أصدق من قولك، لان الله عز و جل يقول، لان الله تعالى يقول، ان الله تعالى يقول، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ، ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ، تصديق ذلك، ذلك في القرآن، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ، ثم تلا، لقول الله عز و جل، ممن قال الله، مَا هُوَ فِي كِتَابِ اللَّهِ، سمعت الله.

۱. بحرانی سید هاشم، پیشین، ج ۱، ص: ۳۰ ح ۸۹/۳.